

|                       |
|-----------------------|
| <b>اندیشه</b>         |
| <b>هومان دوراندیش</b> |

متن زیر پاسخ‌های مکتوب دکتر عبدالکریم سروش است به دوازده پرسش مرتبط با علم و لیبرالیسم و دموکراسی و مارکسیسم. نسخ تسبیح این سوالات به‌ظاهر پراکنده، آرا و مباحث چند سال اخیر عبدالکریم سروش بوده است. مثلاً درباره لیبرالیسم باید گفت که دکتر سروش زمانی که در ایران بود، اگر چه لیبرالیسم را به تمامی نمی‌پذیرفت، ولی غالباً بر وجه مثبت لیبرالیسم انگشت تأکید می‌نهاد؛ اما در چند سال اخیر، سروش آنچه را که نقاط ضعف لیبرالیسم می‌داند، در مباحثش برجسته می‌کند. کافی است مقاله «راهی‌ای از یقین و یقین به راهی» (منتشر شده در ۱۳۷۸) را با سخنرانی «ثنولیبرالیسم مسلح» (۱۳۹۵) مقایسه کنیم. تا تغییر اولویت‌های این روشنفکر دینی لیبرال را در مواجهه با لیبرالیسم درایبم. سروش در سال ۱۳۷۸ گفته بود که لیبرال دموکراسی را بیش از سوسیال دموکراسی خوش دارد؛ ولی در این مصاحبه سوسیال‌دموکراسی را خواستنی‌تر از لیبرال دموکراسی، اما آرماتی ناممکن می‌شمارد. بر همین سیاق، آرای دوده‌ه قیبل عبدالکریم سروش درباره مدرنیته رنگ و بوی انتقادی کمتری داشت. اینکه تقویت جبر یابوری در سایه پیشرفت علم، ونیز گسترش خداباوری در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان مدرن، مبنای حقوق بشر را سست می‌کند، جزو دغدغه‌های فکری متاخر این روشنفکر علم‌گرای خداباور است. سروش در این مصاحبه، شاید برای نخستین بار، جبر‌گرایی و تحویل‌گرایی را «انحرافی عظیم» در علم قلمداد می‌کند. با این حال او تأکید می‌کند که نقدهایش به لیبرالیسم و مدرنیته و علم جدید به معنای موافقتش با مارکسیسم و غرب‌ستیزی و ارتجاع نیست. مصاحبه مکتوب روزه‌نامه اعتماد بسا عبدالکریم سروش، نخستین حضور او در روزه‌نامه‌های ایران پس از قریب به دوازده سال است. آخرین مصاحبه روزه‌نامه اعتماد با این روشنفکر دینی بر طرفدار، گفت‌وگویی بود درباره ترجمه‌ای از قرآن، که در نیمه‌دوم سال ۱۳۷۸ منتشر شد.

■ **شما همواره بر ضرورت مدیریت علمی تأکید کرده‌اید و البته معتقدید «باید» از «است» برنی‌منه‌خیزد. آیا مدیریت علمی نوعی استنتاج «باید» از «ست» نیست؟ اگر نه چنین است، صورتی که بنا بر مدیریت علمی جامعه باشد، آیا می‌بایست «باید‌های پرآمده از مدیریت علمی را «باید حقیقی» (و نه اعتباری) قلمداد کنیم؟ اگر بین باید علمی و مدیریت علمی و باید‌های اخلاقی تعارضی ایجاد شود، حاکمان جامعه جانب کدام یک را باید بگیرند؟**

بلی، باید‌های مدیریتی جنس ارزشی ندارند و از جنس روش‌اند و لذا باقاعده «عدم استنتاج باید از است» منافات پیدا نمی‌کنند. و اگر میان باید مدیریتی و باید ارزشی تعارضی بیفتند البته ارزش‌ها تقدم دارند. به‌این مثال توجه کنید: «جرای زدی باید از دیوار خفه بالا رفت.» این باید (روشی) با «باید زدی کرد» (ارزشی) تعارض دارد لذا جانب‌ارزش را باید گرفت.

■ **درونیسم را موجب بی‌مبنا شدن حقوق بشر می‌دانید. اگر مبنا ی حقوق بشر کرامت انسان نزد خداست، آیا ماترالیسم خداباوری در درازمدت به زیان حقوق بشر تمام خواهد شد؟**

زاک مارین فیلسوف فرانسوی – که خود در تحریر پیش‌نویس اعلامیه حقوق بشر حضور داشته – می‌گوید وقتی آن اعلامیه‌امی نوشتم هیچ‌کس از دیگری نپرسید به چه دلیل آدمی محترم‌تر از چند است؟ می‌دانستم این پرسش، نزاع‌های بی‌پایانی را به دنبال دارد. بنا را بر این گذاشتم و توافق کردیم آدمی محترم و مکر است و حقوقی دارد که باید محترم شمرده شود. لذا اعلامیه حقوق بشر اجماع و توافقی است مبتنی بر پیش‌فرضی مقبول و نامدل. اکنون که پس از عقد قرارداد می‌خواهیم آن را بر بررسی فلسفی کنیم البته جادارد بپریم چه شد که آن باید فرض بنهفته، مقبول هم‌گانی افتاد؟ سده‌هاست جواب آن است که جنگ‌های برهنه و خون‌آلود، همه‌را به بتنگ آورد، بود، غفلا ی قوم‌صالح‌در این دیدند که آدمی را بر اثر همه ملاحظات بنشاندند و دین و نژاد و ملیت و رنگ و تاریخ را در کار نیابوند و به جای تکالیف آدمی سخن از حقوق اب‌گویند و قاعده طلایی اخلاق را در میان آوردند که آنچه‌هر خودنمی‌پسندی بر دیگران روا مدار، این پاسخ‌فقط فایده عملی آن اعلامیه را به دست می‌دهد و ریشه‌های فلسفی‌اش را گرفته‌می‌گذارد. بالاخره مکرّم بودن آدمی با قرارد صریح تاریخ در خودتوأمی آدمی دارد یا واقعا از کرامتی برمی‌خیزد که از آدمی جان‌شدنی است. حال اگر به این کرامت جدانشدنی قائل باشیم باید مقیتر برویم و ببینیم آدمی آن‌را از کجا کسب کرده‌است. ادیان الهی معتقدند این کرامت عطیه الهی است (قرآن: و لقد کرمنا بنی آدم، نورات: و خدا آدمی را بر صورت خویش آفرید) و آن نفعه خداوندی که آدمی حامل اوست، او را چنین مکرّم و معزز کرده و رعایت حقوقش را واجب نموده است. اگر ناتویریسم و ماتریالیسم محض، جامعه بشری را فرا گیرد، راهی جزبا کردن حقوق بشر بر قرارداد محض نیست البته بهیمنی ناستور و شکندنده خواهد بود.

■ **هراری در کتاب «انسان خرده‌مند» می‌گوید: «امروزه آشکاف عظیمی بین انسان‌گرایی لیبرال**

## گفت‌و گو



**توضیح سردبیر: اقتضای گفت‌و گو در چه اول این است که طرفین گفت‌و گو، بی‌لکنت و بی‌آنکه حرفشان حمل بر شائبه‌های سیاسی و عقیدتی شود، سخنانشان را بگویند و درباره مسائل فیما بین رای و عقیده خویش را بر آن کنند. سخن در باره علوم انسانی نیز از همان مباحثی است که گفت‌و گو درباره‌اش با رویکردهای سیاسی عجین شده، بر همین اساس، اصل و فرع موضوع در پس بر ضخیمی از سوء تفاهم گرفتار مانده است. اگر سودای اسلامی**

و آخرین یافته‌های علوم زیستی ایجاد شده‌است. دانشمندان استدلال می‌کنند که رفتار انسان را **هور مون‌ها** و **زن‌ها** و **سیناپس‌های عصبی تعیین می‌کنند، نه اراده آزاد.** نظام‌های سیاسی و قضایی لیبرال به شدت در تلاش‌اند چنین یافته‌های **نامناسی‌را از دور خارج سازند.** «درباره این تعارض چه نظری دارید؟

مدت‌هاست من دانشمندان این دغدغه‌ام که تناقضی عجیب جامعه مدرن را بیمار کرده است. از یک طرف در دانشگاه‌ها به دانشجویان جبر علمی را به منزله آخرین دستاورد علم می‌آموزند و می‌فرشند و اراده آزاد و اختیار را افسانه می‌شمرند و آدمی را چون ماشینی می‌انگازند، از طرف دیگر، فریاد لیبرالیسم و حقوق بشر و آزادی برمی‌دارند. جالب است که دانشکده‌های بیولوژی و معب‌شناسی در کنار دانشکده‌های حقوق قرار دارند که یکی مبتنی بر اختیار مسلم آدمی است و دیگری جابجی

■ **در مارکسیسم، آنچه به بر افتاده مدعیات «علمی»‌اش در باب تاریخ و اقتصاد بود که با مدعیات علمی دیگر در تعارض افتاد؛ و گر نه اوماننیسم مارکسیستی کمتر از اوماننیسم لیبرالیستی نبودونیست.**
■ **گذشته از اشکالات فلسفی مارکسیسم نظامی‌کس که بر جبر تاریخ بنا شود و راهی برای مهار قدرت عرضه نکند، نهایتاً نهادها توسط انسان ساز آید.**

■ **جایی گفته بودید که منظور تان از دموکراسی «عدم استبداد» بوده است. آیا هنوز هم فقط دموکراسی حداقلی «برابری جامعه ایران مناسب می‌دانید؟**

بلی در مقطع و مرحله کنونی جامعه ایران، همچنان دموکراسی حداقلی و عدم استبداد را خواستنی و شدنی می‌شمارم. «جامعه حافظی» نیز به شرحی که در جای دیگر آورده‌ام، جامعه مطلوب من در این دوران است.

■ **سردخترانی «ثنولیبرالیسم مسلح» لیبرالیسم بابت «غفلت از اخلاق» انتقاد کردید. اما در کتاب «اخلاق خدایان، فرموده‌اید ارزش‌های اخلاقی به دو دسته خاد و مخدوم تقسیم می‌شوند و ۹۹ درصد ارزش‌های اخلاقی «خادم و نسبی»‌اند، آیا اخلاقی قلمداد نشدن تحولات سبک زندگی را، جوامع غربی، ناشی از این نیست که اکثر ارزش‌های اخلاقی، خادم انسان‌اند نه مخدوم و؟**

حق‌مداری لیبرالیسم گاه در مقابل اخلاق سنتی می‌ایستد و بسی از رفتارهای نکوهیده اخلاقی را به منزله

## زنچیره انتقال قطع نشده

شده‌اما لیاثر گانه همیشه در صحنه هستند هر چند آنها هم یک ظرفیت و توان مشخصی دارند و بعد از تمام شدن این ظرفیت ممکن است به عقب کام بردارند. خلاصه همه باید دست به دست هم دهیم تا دیواره حماسه بسازیم. دولت عقب‌نشینی کند و تمام امکات را که تا امروز اجازه بازگشایی‌شان را داده بوده، ببندد. باز گشایی مدارس و کلاس‌ها عوض شود؛ چه مشکلی ایجاد می شود

شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۹، ۲۸،۱۳۹۹ شوال ۲۰۰۱۴۴۱ و ژوئن ۲۰۲۰، سال هجدهم، شماره ۴۶۷۱

Info@etemadnewspaper.ir

**ادامه از صفحه اول**



### علم و لیبرالیسم در گفت‌و گو با عبدالکریم سروش

# قضا رکن دموکراسی است

**کردن علوم انسانی را در سر داشته باشیم، لازمه‌اش آن است که آرای مخالفان و منتقدان را بی‌کم و کاست بشنویم و با آنها وارد گفت‌و گو شویم.**
**روز‌نامه اعتماد بنا بر وظیفه رسانه‌ای‌اش بر خود فرض می‌داند تا اسباب گفت‌و گو در این باب را فراهم آورد و نخله‌های مختلف فکری را به میدان بحث و تبادل نظر بفرخواند. باشد که از این رهگذر بتوانیم به رونق محافل فرهنگی و فکری ایران عزیز کمک کنیم.**

قضایه نقطه قوت این نظام است و دموکراسی بدون آن پامی‌گیرد. چون نماز که ر کن مسلمانی است قضا هم برینفاد بلکه بانگاه حقوق‌مدارانه بر افتاد که نه علمی بود باید در طلب اصلاح آن باشند.

■ **امیل دورکیم می‌گفت انحرافات امروز، اخلاقیات فردا هستند.**
**اینکه پیشاپیش ضرورت رعایت «اخلاقیات» را از سوی جامعه مفروض بگیریم، آیا موضعی محافظه کارانه و خلاف مسیر طبیعی تصور نیست؟**

نه هر چه پیش آید خوش آید. تحول اجتماعی هم لزوماً به سوی بهتر شدن نیست. یعنی تضمینی برای آن نیست. در جوامع جدید، مدهسای زودگذر فکری و اخلاقی غلبه کرده‌اند که اغلب ریشه ندارند و قابل و پیروی نیستند. لنگر‌ها و سنگ‌های اخلاق را نباید به سهولت و سخاوت‌مندی به توفان تحولات ریزبند سپرد. سعادت انسان خظیر تر و عظیم‌تر از آن است که به دست

■ **کسی از آینده خبر ندارد.**
**گذشته را هم بهتر از امروز دانستن و برای بازگشتن اشک حسرت ریختن نایخردانه است.**
**ماییم و حال و امروز.**
**هر چه در توان داریم باید به کار گیریم تا باعچه اکنون مان را بشخم بزنییم.**
**آینده را به آیندگان بسیاریم.**
**به‌دترین کار، کاری نکردن است.**

■ **آزادی رسانه‌ها خبری است آمیخته به شرّ**
**پیشه‌ها به این سوو و آن سومی‌وند و پسند و ناپسندشان را از القانات و تلقین‌های رسانه‌ها می‌کنند.**
**آزادی رسانه‌ها خبری است آمیخته به شرّ در بغا که نیست.**
**لذا به لیبرال‌انگاری ما هم**
**برخی از منتقدین، روشنفکری دینی را طرفدار پیشتر به سوسیال‌دموکراسی می‌دانند. شما در مجموع لیبرال دموکراسی؟**

ای کنش سوسیال دموکراسی شدنی بوده‌در بغا که نیست. لذا به لیبرال‌انگاری ما همه اشکالات و باگوشش در فرد آنها، باید دلخوش و پای‌بند بود.

■ **شما نظاره‌دهی یک نظام‌های فکری را بی‌انتقاد قبول ندارید.**
**آیا به علم جدید هم نقدی دارید؟**

اگر فردزندانان یک سال به مدرسه و دانشگاه روند؟ آیا سلامتی آنها مهم تر نیست؟ چه ایرادی دارد اگر کلاس نقاشی، باشگاه ورزشی و… نزنند؟ و از طرف دیگر مردم هم باید همکاری کنند؛ اصول بهداشتی را رعایت کنند، به مسافت ترزند و تا حد ممکن از منزل خارج نشوند و در کل تمام کارها را انجام دهند که به قطع شدن زنچیر انتقال و بیروس کمک می‌کند.

**ادامه از صفحه اول**

### درگیری در هیمالیا

مشاخره از تابستان سال ۲۰۱۹ با حمله هند به کشمیر آغاز شد که منطقه‌ای است با اکثریت مسلمان و از زمان استقلال دو کشور در سال ۱۹۴۷ حاکمیت آن با پاکستان مورد اختلاف بوده‌است. اندکی کمتر از یک‌سال بعد هند وارد کشمکش دیگری با کشور چین بر سر سرزمین لداخ واقع بین کشمیر و تبت شد. در ماه سه در حالی که دو کشور در بحبوحه مبارزه با بیماری همه گیر کووید ۱۹ بودند، پکن و دهلی‌نو مجدداً درگیری قدیمی خود را بر سر سرزمندی هیمالیا به طول ۳۵۰۰ کیلومتر که در سال ۱۹۶۲ طراحی شده بود از سر گرفتند. بعد از سه سال آرامش در امتداد نوار کنترل مرزی کنونی، درگیری دو روزه نزدیک به ۲۵۰ سرباز چینی و هندی حدود یکصد زخمی برای دو طرف بر جای گذاشت. ۲۰ روز بعد، هند نیروهای تقویتی به منطقه ارسال کرد. از دست دادن استقلال جامو و کشمیر و تقسیم آن به دو بخش در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۹ توضیح‌دهنده ناراحتی چین به عنوان متحد پاکستان

و این تنش تازه است. علاوه بر این، از زمان صدور این فرمان لداخ جزو قلمرو هند به حساب می‌آید که از کشمیر جدا شده است و دهلی‌نو به نام توسعه منطقه اقدام به ساخت جاده و زیرساخت در روستاهای نزدیک به آن می‌کند، ولی این اقدامات بیشتر از این جهت است که موقعیت استراتژیک خود را در مقابل همسایه قدرتمندش تقویت کند.
با این حال، برای پکن این پروژه‌ها به منزله نقض توافق برای حفظ وضع موجود تا زمان حل و فصل مساله مرزهاست. در حاشیه جلسه پارلمانی که در پایان ماه مه برگزار شد، «شی جن پینگ» رئیس‌جمهور چین بدون نام بردن از کسی اعلام کرد: «تشدید آمادگی برای جنگ مسلحانه، انجام آموزش‌های رزمی انعطاف‌پذیر و ارتقای ظرفیت سربازان ما برای انجام ماموریت‌های نظامی ضروری بوده‌است.»

اما این اظهارات به سرعت سبب نگرانی هند شد، خصوصاً هنگامی که نیال نقشه کاملاً جدیدی از مرزهای خود را که در برگیرنده سرزمین‌های مورد ادعای هند بود برای عموم منتشر کرد. کشور کوچک نیال که اورست و لومبینی در آن قرار دارد و رازها که بوداست همواره قربانی آن بوده و در محاصره دو غول بزرگ یعنی هند و چین قرار دارد. پاتماندو که از گذشته دور به واردات هند وابسته بوده است در سال‌های اخیر تصمیم به نزدیک شدن به پکن گرفته و این امر این کشور را به یک شرکای کلیدی در حوزه جاده ابریشم جدید تبدیل کرده است. در حالی که هند نفوذ خود را در این کشور از دست می‌دهد، چین سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را در زیرساخت‌های نیال انجام می‌دهد. این واقعیت که مجلس ملی نیال به اتفاق آرا به این پیشنهاد جدید رای داده است، نزاع دیپلماتیک دیگری برای دهلی‌نو آغاز کرده است که چین را در آن دخیل می‌بیند.

رقابت هند و چین در بوتان یکی دیگر از کشورهای پادشاهی کوچک در هیمالیا نیز قابل مشاهده است؛ کشوری که نیال دارد خود را از قیومت‌خفه‌کننده هند برهاند و به سمت چین که در چند سال گذشته به سومین تأمین‌کننده این کشور تبدیل شده‌میل‌کنند. در تابستان سال ۲۰۱۷، بوتان صحنه تقابل دو قدرت بوده و دهلی‌نو به دنبال جلوگیری از ساخت جاده نظامی در ارتفاعات توسط پکن است.

به نظر می‌رسد چین و هند در دهم ژوئن به یک توافق کلی حداقلی مهم در مورد مواضع خود در لداخ رسیده باشند. هیچ یک از کشورهایانی خواستند جزیات عقب‌نشینی نیروهای خود را در امتداد نوار کنترل مرزی کنونی آرایه دهند. روزنامه هندوستان تأیمز با استناد به منابع ناشناس از عقب‌نشینی یک و نیم کیلومتری ارتش چین خبر داد. اما نشریه دیلی تلگراف به نوبه خود اظهار داشت که چین از تنش هفته‌های گذشته استفاده کرد تا چهل الی شصت کیلومتر از سرزمین هند در سه منطقه مورد مناقشه تحت سلطه خود در بیاورد. هر روز بعد، آتش‌بس شکننده که قرار بود آغاز گر یک فرآیند عقب‌نشینی نظامی باشد، به دنبال کشته شدن ۲۰ سرباز هندی متوقف شد. مسوول امور هند در وزارت امور خارجه چین گزارش می‌دهد که سربازان هندی به‌طور جدی توافق ۱۵ ژوئن را نقض کرده و قبل از اقدام به فعالیت‌های غیرقانونی و تحریک و تحرک به سربازان چینی که منجر به درگیری شدید شد دو بار از مرز عبور کردند.

مدت‌هاست که هیمالیا عرصه رقابت بین هند و چین بوده‌است. اما امروز شباب جاهلیلی‌های اقتصادی و سیاسی چین از زمان به قدرت رسیدن شی جن پینگ در هند به بیشتر با سیاست فراملی گراییانه نازندار مودی در جهت تضاد است. ملی‌گرایی نخست‌زور هند در مقابل موضع‌گیری یک کشور غیرمتعهد که نهرزومانی ترسیم کرده بود را نمی‌توان به رفتار خصمانه دهلی‌نو برای حفظ سیاست عدم تعهد در برابر ایالات متحده امریکای چین نسبت داد یا به واسطه آن به استقلال استراتژیک در منطقه دست یافت.

اما واضح است این تاکتیک که در ذهن مودی قابل ستایش است با تعرض به کشورهای همسایه فقط سبب ایجاد آثار مخرب می‌شود. با این حال، هند دارای ابزار دستیابی به جاه‌طلبی‌های خود نیست، خط‌خطی درگیری جدید مسلحانه با چین بعد از ۶۰ سال صلح نسبی، بسیار واقعی است و نگرانی بیشتری از آنجاست که شکاف قدرت بین نیروهای نظامی هند و چین بسیار قابل توجه است.

بنابر این هند باید به سرعت احتیاط پیشه کند یا خواستار کمک از امریکا بشود و احتمالاً دونالد ترامپ دوست نازندار مودی در حالی که توسعه روابط کشورش با چین روزه روز بدتر می‌شود؛ از اعطای این کمک بسیار خوشحال خواهد شد. فعلاً به نظر می‌رسد که روند کاهش درگیری به بن بست رسیده است. در حالی که خطر به آتش کشیدن منطقه بین سه کشور هند، چین و پاکستان که دارای تسلیحات هسته‌ای هستند بیشتر و یا همیشه حایز اهمیت شده است. این موضوع تأییدی بر این ضرب‌المثل قدیمی است: «هر کس باد بکارد، توفان در می‌کند»

**ادامه از صفحه اول**